

## زبان عربی

\*\* عَيْنُ الْأَنْسَبِ لِلْجَوَابِ عَنِ التَّرْجُمَةِ أَوْ الْمَفْهُومِ مِنْ أَوْ إِلَى الْعَرَبِيَّةِ:

۱- ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ﴾:

- ۱) بی‌گمان الله دگرگون نمی‌سازد درون قوم را الا این که آن چه را در درون دل‌ها دارند دگرگون کنند!
- ۲) الله قطعاً عوض نمی‌کند آن چه را قومی در درون دارند الا این که آن چه در درون آن‌هاست تغییر یابد!
- ۳) همانا خداوند آن چه را در قومی هست تغییر نمی‌دهد تا این که آن چه را در خودشان است تغییر دهند!
- ۴) خداوند بی‌شک چیزهایی را که در قوم هست عوض نمی‌کند مگر این که آن چه در دل دارند تغییر کند!

۲- «قَدْ نَكَرَهُ أَمْرًا وَاللَّهُ جَعَلَهُ خَيْرًا لَكَ وَ قَدْ تُحِبُّ شَيْئًا وَاللَّهُ جَعَلَهُ شَرًّا لَكَ»:

- ۱) کاری را احتمالاً ناپسند می‌داری حال این که خدا خیر را در آن قرار داده، و چیزی را احتمالاً دوست می‌داری حال این که خدا شر را در آن قرار داده است!
- ۲) شاید کاری را زشت می‌داری در حالی که خدا برای تو در آن خیر قرار داده، و شاید چیزی را دوست بداری در حالی که خدا برای تو در آن شر قرار داده!
- ۳) کاری را گاه زشت می‌پنداری در حالی که خدا در آن خیری برایت قرار داده، و چیزی را گاه دوست داری در حالی که خدا شری در آن برایت قرار داده!
- ۴) گاهی کاری را ناپسند می‌شماری و حال این که خدا آن را برای تو خیر قرار داده است، و گاهی چیزی را دوست داری و حال این که خدا آن را برای تو شر قرار داده است!

۳- «هناك مئات الطيور تبنى أعشاشها على جبال ارتفاعها أكثر من ألفي متر و تقذف أفرآخها منها لتتعلم الطيران»:

- ۱) صدها پرنده لانه‌های خود را بر بلندای بیش از دو هزار متر، روی کوه‌ها می‌سازند تا جوجه‌ها را از آن‌جا پرتاب کنند تا پرواز کردن بیاموزند!
- ۲) آن‌جا صدها پرنده است که آشیانه‌ها را بر کوه‌هایی به بلندای بیش از دو هزار متر بنا کرده جوجه‌هایشان را از آن‌جا می‌پراندند برای این که پرواز کردن بیاموزند!
- ۳) آن‌جا صدها پرنده لانه‌هایشان را بر کوه‌هایی که ارتفاعشان از دو هزار متر بیشتر است بنا می‌کنند و جوجه‌های خود را از آن می‌اندازند تا پرواز کردن را به آن‌ها یاد بدهند!
- ۴) صدها پرنده وجود دارند که آشیانه‌های خود را بر کوه‌هایی که ارتفاع آن‌ها بیش از دو هزار متر است می‌سازند و جوجه‌هایشان را از آن‌جا پرتاب می‌کنند تا پرواز را یاد بگیرند!

۴- «إن الإنسان الذي يجد طعاماً مناسباً لفكره ستصبح قدرته للفهم والعمل أكثر»:

- ۱) انسانی که غذای مفیدی را برای اندیشه خود بیابد نیرویش برای فهم و عمل، بیش‌تر شده است!
- ۲) انسانی که غذای مناسبی برای فکر خود می‌یابد نیرویش برای فهم و عمل، بیش‌تر خواهد شد!
- ۳) اگر انسان غذای مناسبی را برای اندیشه خود بیابد نیرویش برای فهم و عمل، بیش‌تر خواهد شد!
- ۴) انسان کسی است که غذای مفیدی را برای فکر خود یافته و نیرویش برای فهم و عمل، بیش‌تر شده است!

۵- «لا شك أن كيفية استعمال الأعشاب الطيبة عند الحيوانات الصحراوية و الطيور، قد ساعدت الإنسان في صنع الأدوية»:

- ۱) چگونگی به‌کارگیری گیاهان طبی نزد حیوانات صحرایی و پرندگان، بدون شک به انسان در ساختن داروها کمک کرده است!
- ۲) چگونگی به‌کار گرفتن گیاهان پزشکی در حیوانات بیابانی و پرندگان، بلاشک به انسان در ساخت داروها کمک کرده بود!
- ۳) بدون شک نحوه کاربرد گیاهان دارویی نزد حیوانات و پرندگان صحرایی، به انسان در پیدایش داروها یاری رسانده است!
- ۴) بلاشک نحوه کاربرد گیاهان پزشکی در حیوانات و پرندگان بیابانی به انسان برای ایجاد داروها یاری رسانده بود!

## ۶- عَيْنُ الصَّحِيحِ:

- ۱) نَسَأَلُ اللَّهَ أَنْ يُعْطِينَا مَا يُحِبُّهُ! از خدا می‌خواهیم که آن چه را دوست داریم به ما بدهد!
- ۲) لَا يَرَى الْمُتَفَانِلُ الْمَصَاعِبَ إِلَّا فُرْصاً جَيِّدَةً فِي الْحَيَاةِ! خوش‌بین سختی‌ها را جز فرصت‌هایی نیکو در زندگی نمی‌بیند!
- ۳) مَنْ يَطْلُبُ حَيَاةً هَادِئَةً يَتَعَايَشُ مَعَ الْآخِرِينَ تَعَايُشاً! هرکس به دنبال آرامش در زندگی است با دیگران همزیستی می‌کند!
- ۴) بَحْثٌ عَدَدٌ مِنَ الْبَاحِثِينَ عَنْ حَيَاةِ الدَّلَافِينَ مُتَعَجِّبِينَ مِنْ مُسَاعَدَتِهَا لِلْإِنْسَانِ! تعدادی از پژوهشگران درباره زندگی دلفین‌ها تحقیق کردند و از کمک انسان به آن‌ها حیرت‌زده شدند!

## ۷- عَيْنُ الصَّحِيحِ:

- ۱) إِذَا لَا تَكُونُ مَقْتَدِراً فَالْآخَرُونَ لَا يَسْمَعُونَ كَلَامَكَ! هرگاه مقتدر نبودی دیگران به سخن تو گوش نمی‌دهند!
- ۲) لَا تُكْرِمَنَّ اللَّئِيمَ لِأَنَّهُ يَتَمَرَّدُ تَمَرِّدًا وَأَنْتَ تِيَّاسٌ! هرگز انسان فرومایه را گرامی مدار برای این که او قطعاً نافرمانی خواهد کرد، درحالی که تو مایوس شده‌ای!
- ۳) السَّكُوتُ أَجْمَلُ كَلَامٍ قَدْ يَسْتَطِيعُ أَنْ يُثِيرَ الشَّخْصَ أَكْثَرَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ آخِرًا! سکوت زیباترین سخنی است که گاهی می‌تواند شخص را بیش از هر چیز دیگری برانگیزاند!
- ۴) يُصَادُ الْحَوْتُ لِيَسْتَفِيدَ الْكِيمِيَاوِيُّونَ مِنْ زَيْتِ كَبِدِهِ فِي صِنَاعَةِ مَوَادِّ التَّجْمِيلِ! نهنگ‌ها صید می‌شوند تا شیمی‌دانان از روغن کبد آن‌ها در ساختن مواد آرایشی استفاده کنند!

## ۸- «هرکس قبل از سخن گفتن بیاندیشد، غالباً از خطا ایمن می‌گردد!»:

- ۱) مَنْ يُفَكِّرُ قَبْلَ الْكَلَامِ يَسْلَمُ مِنَ الْخَطَايَا غَالِباً! (۱)
- ۲) مَنْ تَفَكَّرَ قَبْلَ أَنْ تَكَلَّمَ سَلِمَ مِنَ الْخَطَا فِي الْأَغْلَبِ! (۲)
- ۳) الَّذِي يُفَكِّرُ قَبْلَ أَنْ تَكَلَّمَ قَدْ يَسْلَمُ مِنَ الْأَخْطَاءِ غَالِباً! (۳)
- ۴) الَّذِي تَفَكَّرَ قَبْلَ الْمَكَالِمَةِ قَدْ سَلِمَ مِنَ الْخَطَايَا فِي الْأَغْلَبِ! (۴)

## ۹- عَيْنُ غَيْرِ الْمُنَاسِبِ لِلْمَفْهُومِ: «إِذَا كَانَ الصَّبْرُ مُرّاً فَعَاقِبَتُهُ حَلْوَةٌ»

- ۱) نیست رنگی که بگوید با من / اندکی صبر، سحر نزدیک است
- ۲) ساختیم با آن که عمری سوختم / سوختم یک عمر و صبر آموختم
- ۳) صبر بر جور رقیب چه کنم گر نکنم / همه دانند که در صحبت گل خاری هست
- ۴) چه خوش در فراقی همه عمر صبر کردن / به امید آن که روزی به کف او فتد وصالی

## \*\*\* عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي الْإِعْرَابِ وَالتَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ:

## ۱۰- «لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعاً وَلَا ضَرّاً إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ!»:

- ۱) شاء: فعل ماضٍ - للغائب - مزيد ثلاثي - معلوم / فعل و فاعله «الله» و الجملة فعلية
- ۲) الله: لفظ الجلالة - اسم - مفرد مذکر - معرفة (علم) - معرب / فاعل لفعل «شاء» و مرفوع
- ۳) نفعاً: اسم - مفرد مذکر - اسم فاعل (من فعل مجرد ثلاثي) - نكرة - معرب / مفعول أو مفعول به و منصوب
- ۴) أملك: فعل مضارع - للمتکلم وحده - مزيد ثلاثي (من باب إفعال) - متعدّ / فعل مرفوع و مع فاعله جملة فعلية

## ۱۱- «كَانَ فِي الْمَسْجِدِ جَمَاعَتَانِ، جَمَاعَةٌ يَتَفَقَّهُونَ وَ جَمَاعَةٌ يَدْعُونَ اللَّهَ وَ يَسْأَلُونَهُ!»:

- ۱) يتفقهون: مضارع - مزيد ثلاثي (من باب تفعيل) / فعل و مع فاعله جملة فعلية
- ۲) يسألون: فعل مضارع - مزيد ثلاثي (من باب إفعال) / فعل و مع فاعله جملة فعلية
- ۳) جماعتان: اسم - مثنى مؤنث - نكرة - معرب / اسم «كان» من الأفعال الناقصة، و مرفوع بالألف
- ۴) المسجد: اسم - مفرد مذکر - اسم مكان (من فعل مزيد ثلاثي و مصدره «سجد») - معرّف بأل / مجرور بحرف «في»

١٢- «بعد أن يتناول التمساح طعامه يقتربُ منه نوع من الطيور!»:

- (١) نوع: اسم - مفرد مذكر - نكرة - معرب / مبتدا و مرفوع، و الجملة اسمية
- (٢) طعام: اسم - مفرد مذكر - اسم مبالغة (اشتقاقه من مادة «ط ع م») / مفعول أو مفعول به و منصوب
- (٣) يتناول: فعل مضارع - للغائب - مزيد ثلاثي (من باب تفاعل) - لازم / فعل و فاعله «التمساح» و الجملة فعلية
- (٤) يقترب: مضارع - للغائب - مزيد ثلاثي (من باب افتعال) / فعل مرفوع و فاعله «نوع» و الجملة فعلية

\*\* عَيِّنِ المناسب للجواب عن الأسئلة التالية:

١٣- عَيِّنِ الخطأ في ضبط حركات الحروف:

- (١) عالمٌ يَنْتَفِعُ بعلمه خَيْرٌ مِنْ ألفِ عابِدٍ.
- (٢) لَيْسَ شَيْءٌ أَثْقَلُ فِي المِيزَانِ مِنَ الخُلُقِ الحَسَنِ.
- (٣) عَلَيَّ كُلِّ النَّاسِ أَنْ يَتَعَايَشُوا تَعَايِشاً سَلِيماً.
- (٤) تُؤَدِّي الدَّلَافِينُ دَوْرًا مُهِمًّا فِي الحَرْبِ وَ السَّلْمِ.

١٤- عَيِّنِ الصَّحِيحَ:

- (١) الصيدلي: مكان يذهب المرضى إليه لشراء الأدوية.
- (٢) مكيف الهواء: وسيلة لتبريد و تنظيف الهواء في فصل الصيف.
- (٣) البقاع: قطع من السحاب ينزل منها المطر في فصل الشتاء.
- (٤) البطاقة البريدية: نحتاج إليها عند السفر بالحافلة أو القطار أو الطائرة.

١٥- عَيِّنِ «اللَّام» تَخْتَلِفُ:

- (١) حضر جميعُ الطلابِ في الصالة لِيَشْتَرِكُوا فِي الامتحان!
- (٢) يُصَاد الحوتُ لِيُسْتَخْرَجَ زَيْتُهُ وَ يُصَنَعُ مِنْهُ موادُّ التَّجْمِيلِ!
- (٣) إِنَّ الطَّبِيعَةَ جَمِيلَةٌ لِنَحَافِظِ عَلَيْهَا وَ نَحْنُ نَحْتَاجُ إِلَيْهَا كَثِيرًا!
- (٤) قَدْ نَغْرَسُ الأشجارَ الَّتِي تُثْمِرُ بَعْدَ سِنَوَاتٍ لِيَأْكُلَ الآخَرُونَ مِنْهَا!

١٦- عَيِّنِ ما فِيهِ اسم التفضيل و اسم المكان معاً:

- (١) إِنَّ بَعْضَ المتاجرِ مَفْتُوحٌ إِلَى نَهَايَةِ اللَّيْلِ.
- (٢) رَأَيْتُ مَكْتَبَةً فِي مَدِينَتِنَا كَانَتْ مِنْ أَكْبَرِ مَكاتبِ العالَمِ.
- (٣) نَحَبُّ أَنْ نَشْتَرِيَ ما نُرِيدُهُ بِثَمَنِ أرْخَصٍ وَ نَوْعِيَّةٍ أَعْلَى.
- (٤) يَجِبُ أَنْ يَكُونَ لَوْنُ جُدَارِ المَطابخِ خَاصَّةً فِي الأَمَاكِنِ العَامَّةِ أبيضَ.

١٧- عَيِّنِ ما فِيهِ «نون الوقاية»:

- (١) يَجِبُ عَلَيْكَ أَنْ تُحَسِّنِي لِمَنْ لَمْ تَكُنْ لَهُ قَدْرَةٌ.
- (٢) بَعْضُ الطَّيُورِ تَبْنِي بَيْوتَهَا فَوْقَ الأشجارِ المَرْتَفَعَةِ.
- (٣) يُرْسِدُنِي مَعْلَمِي الرُّؤُوفِ دائِمًا إِلَى تَعَلُّمِ العِلْمِ النَّافِعَةِ.
- (٤) يَا أُخْتِي! إِنَّ تَوْمَنِي بِأَنَّ النَّجَاحَ نَتِيجَةُ أَعْمَالِكِ فَحَاوِلِي.

١٨- عَيِّنِ المصدرَ لِأَيِّبَيْنِ نوع الفعل:

- (١) يَا أَصْدِقَاءَ أَوْفُوا بَعَهْدِكُمْ وَفَاءً جَمِيلًا.
- (٢) شَجَعْنَا أَصْدِقَاءَنَا فِي المَسَابِقَةِ تَشْجِيعًا كَثِيرًا.
- (٣) إِنَّ كُنْتَ تَلْمِيزًا عَاقِلًا فَلَا تُضَيِّعْ أَوْقَاتَكَ تَضْيِيعًا.
- (٤) إِنَّ العِطَّارَ يَشِمُّ رَائِحَةَ المَسْكِ شِمًّا دَقِيقًا وَ يَعْرِفُهُ.

١٩- عَيِّنِ الصحيح للفرغين:

«ذهبت مع أسرتي إلى سفرة يوم الأحد، طالت سفرتنا ثلاثة أيام. رجعنا في الساعة السابعة صباحاً. كنا خمس ساعات في الطريق. فوصلنا في

الساعة ..... من يوم ..... إلى بيتنا!».

- (١) الثاني عشر / الثلاثاء
- (٢) الثانية عشرة / الأربعاء
- (٣) الثاني عشر / الأربعاء
- (٤) الثانية عشرة / الإثنين

٢٠- عَيِّنِ المستثنى منه محذوفاً:

- (١) لَا يُنْبِرُ عقلُ الإنسانِ فِي حياتِهِ شَيْءٌ إِلَّا العِلْمُ النَّافِعُ.
- (٢) لَمْ يَخْلُقِ اللهُ فِي الطَّبِيعَةِ إِلَّا كُلَّ ما مَفِيدٌ لِجَمِيعِ الكائِناتِ.
- (٣) لَا نَقْتَدِي بِأحدٍ لِيَكُونَ لَنَا أُسْوَةٌ مَناسِبَةٌ إِلَّا بِالإنسانِ الكامِلِ.
- (٤) لَا يَحْفَظُ أَكثَرُ النَّاسِ عَلَى صحتِهِمْ فِي الحِياةِ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ.